

گزارشی از وضعیت بازار بین بانکی در ایران

حسین درودیان^۱

بازار بین بانکی یکی از ارکان و اجزای نظام های پولی متعارف و جاافتاده در اقتصادهای امروزی است. کارکرد اولیه این بازار، زمینه سازی برای قرض دهی و قرض گیری «ذخایر» بین بانک ها و مؤسسات پولی است. ذخایر یکی از مهم ترین دارایی های بانک ها است که همان وجوه نقد متعلق به بانک ها نگهداری شده نزد بانک مرکزی است. در حقیقت ماهیت ذخایر، بدهی بانک مرکزی به بانک ها است، همان طور که ماهیت حساب های سپرده، بدهی بانک ها به عموم مردم است. از این رو رابطه بانک ها با بانک مرکزی در خصوص ذخایر دقیقاً مشابه رابطه مردم با بانک ها در خصوص سپرده ها است. ذخایر در یک تفکیک کلی به «ذخایر قانونی» و «ذخایر اضافی» تفکیک می شود. نگهداری ذخایر قانونی توسط بانک مرکزی و بر اساس سیاست پولی به عنوان یک الزام بر بانک تحمیل می شود، اما ذخایر اضافی ذخایری است که بانک ها برای انجام تسویه بین بانکی، یا با هدف کسب بهره یا صرفاً به سبب داشتن مازاد ذخایر، آن را نزد بانک مرکزی نگه می دارند. بدیهی است که بانک بر اساس انگیزه حداکثرسازی سود در شرایط عادی می کوشد نگهداری ذخایر اضافی را به حداقل برساند. اما ممکن است بانک به هر علتی برای تأمین ذخایر قانونی یا ذخایر مورد نیاز برای تسویه بین بانکی با کمبود ذخایر مواجه شود. بازار بین بانکی به طور ساده تمهیدی است برای این منظور که بانک های دارای کسری ذخایر، نیاز خود به ذخایر را در یک بازار شفاف و رقابتی، از بانک های دارای مازاد تأمین کنند. این سازوکار، کارکردی واضح در کاهش مشکلات نقدینگی و کاهش امکان بروز بحران نقدینگی برای هر بانک و لذا کل سیستم بانکی در بر خواهد داشت. همچنین از آنجا که میزان خلق پول توسط سیستم بانکی (در اصطلاح متعارف، «ضریب فزاینده پولی») به طور منفی با میزان ذخایر اضافی بانک ها مرتبط است، وجود بازار بین بانکی موجب افزایش در ضریب خلق پول بانک ها خواهد

۱. پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین



شد، به این علت ساده که امکان انتقال ذخایر اضافی به بانک‌های دارای کسری را فراهم کرده و از سرجمع ذخایر اضافی در کل سیستم بانکی می‌کاهد. افزایش امکان خلق پول بانک‌ها در اثر وجود بازار بین‌بانکی را از این طریق نیز می‌توان تفسیر کرد: بانک‌ها با علم به وجود بازار بین‌بانکی به عنوان مرجع تأمین نقدینگی در شرایط اضطراری، قاعدتاً جسارت بیشتری در وام‌دهی به خرج خواهند داد.

اما اهمیت بازار بین‌بانکی در ترتیبات پولی امروز، بسیار فراتر از رفع نیاز نقدینگی بانک‌هاست. برای حاکمیت، بازار بین‌بانکی زمینه و بستر لازم برای انجام سیاست پولی و اعمال حکمرانی پولی است. بانک‌های مرکزی امروزه هدف ابزاری برای اعمال سیاست پولی را «نرخ بهره» (و نه حجم پول) قرار داده‌اند. سؤال اینجاست که با توجه به تعدد نرخ‌های بهره، بانک مرکزی کدام نرخ را کنترل می‌کند؟ آیا او کنترل تمام نرخ‌های بهره بازار (نرخ سپرده‌گیری بانک‌ها، نرخ وام‌دهی، نرخ انتشار اوراق قرضه در بازار مالی، نرخ فروش اقساطی کالا توسط تولیدکنندگان و ...) را هدف گرفته و برای هر یک به‌طوری جداگانه برنامه‌ریزی می‌کند؟ بانک مرکزی با چه ابزارهایی اقدام به تأثیرگذاری بر نرخ بهره تا تحقق سطح هدف خود می‌کند؟

بدون شک هدف سیاستی بانک مرکزی، تأثیرگذاری بر تمامی نرخ‌های بهره بازار است اما او برای تحقق این منظور تنها بر یک نرخ بهره تمرکز می‌کند تا از طریق آن، سایر نرخ‌های بهره را به صورت غیرمستقیم تنظیم کند و آن نرخ بهره، چیزی نیست جز «نرخ بهره در بازار بین‌بانکی». اینکه چگونه بانک مرکزی با تنظیم تنها یک نرخ بهره آن هم در بازار بین‌بانکی (که مردم و بنگاه‌ها ورودی بدان ندارند) قادر است کلیه نرخ‌های بهره در اقتصاد را هدایت کند، مجال مجزا می‌طلبد که فهم آن ارتباطی کلیدی با تأمل در ابزارهای بانک مرکزی برای این منظور دارد^۲. به‌طور کوتاه، بانک مرکزی با تعیین یک نرخ روی قرض‌دهی منابع خود به بانک‌ها و تعیین نرخ دیگر بر قرض‌گیری (سپرده‌گیری) از آن‌ها در سطحی کمتر از نرخ قرض‌دهی، نرخ بهره بین‌بانکی را بین این دو نرخ سقف و کف کنترل می‌کند. آنگاه برای بانک‌ها هرگز به صرفه نخواهد بود که با نرخ بیش از نرخ قرض‌گیری از بانک مرکزی منابع جذب کنند و با نرخ کمتر از نرخ سپرده‌گذاری نزد بانک مرکزی، وام دهند. کلیه فعالان اقتصادی نیز به‌طور خودکار خود را با نرخ‌های اتخاذ شده توسط بانک‌ها تعدیل می‌کنند، زیرا وام‌دهی یا فروش اقساطی مؤسسات غیربانکی در نرخ بیش از نرخ وام‌دهی بانک، موردپذیرش متقاضیان تسهیلات نبوده و آن‌ها می‌توانند به بانک رجوع کنند و از سوی دیگر قرض‌گیری یا مثلاً انتشار اوراق قرضه در نرخ پایین‌تر از آن با عدم استقبال عاملان روبه‌رو شده و آن‌ها سپرده‌گذاری در بانک را سودآورتر خواهند یافت. به این ترتیب بانک مرکزی در صورت صلاحدید، با تغییر در این نرخ سقف و کف خود در بازار بین‌بانکی، می‌تواند کلیه نرخ‌های بهره در اقتصاد را مطابق صلاحدید خود تنظیم کند.

اگرچه بازار بین‌بانکی در اقتصادهای جهان پدیده‌ای با سابقه بیش از چند دهه و حتی یک سده است و اعمال سیاست پولی با کنترل نرخ بهره در بازار بین‌بانکی نیز عمری حدوداً ۳۰ ساله دارد، اما در ایران بازار بین‌بانکی بازاری نوپا و

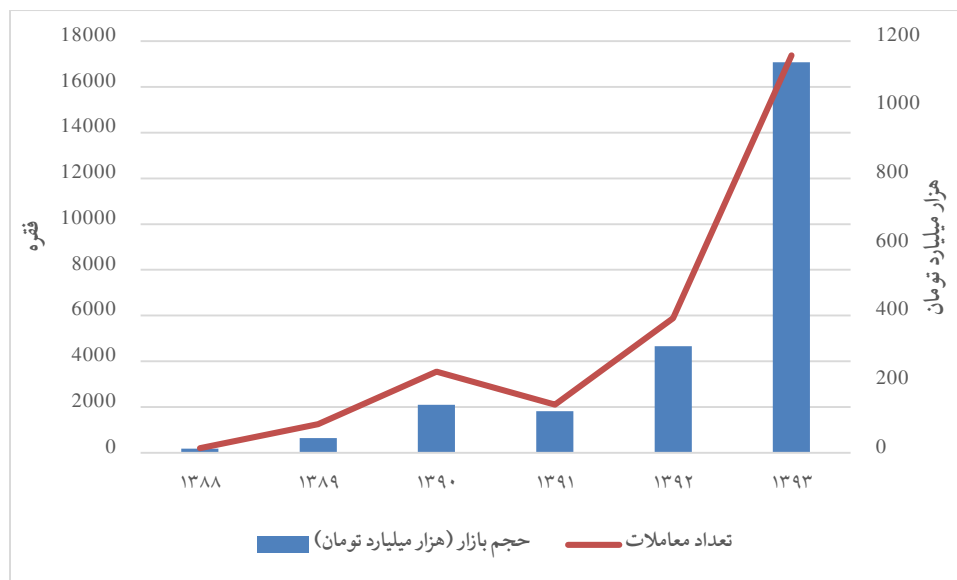
۲. رجوع شود به درودیان، حسین، «نظام پولی در اقتصادهای جهان چگونه مدیریت می‌شود؟»، سال دوم، جستار ۳۲

محدود است. فقدان بازار بین بانکی متشکل و نبود ابزارهای مدرن سیاست گذاری پولی موجب شده بانک مرکزی در کشور ما قادر به کنترل و مدیریت نرخهای بهره بانکی نباشد و از این رو ناچار است به کنترل مستقیم و دستوری نرخها روی آورد که حتی در دورههایی که نظام حکمرانی اکیداً معتقد به کنترل دستوری نرخهای بهره بانکی بود و در راستای آن می کوشید نیز بانکها به انحراف مختلف زیر بار پذیرش نرخهای دستوری نرفته و الزامات قانونی را دور زدند (چه رسد به دوره کنونی که چندان چنین عقیده و عزمی نیز وجود ندارد). در حقیقت، به نظر نمی رسد بدون راه اندازی و طراحی تمهیدات مربوط به بازار بین بانکی، نرخهای سود بانکی در اقتصاد ایران قابل کنترل باشد یا دست کم شواهد و قرائن موجود بر اساس تجربیات جهانی، راه دیگری را پیش رو قرار نداده است.

حجم کلی مبادلات

بازار بین بانکی در ایران به صورت رسمی از تیرماه سال ۱۳۸۷ شروع به فعالیت کرد. در شکل (۱) وضعیت کلی بازار بین بانکی از حیث تعداد معاملات و حجم آن نشان داده شده که بیانگر آن است که وسعت بازار بین بانکی از زمان راه اندازی در مجموع رو به افزایش بوده است.

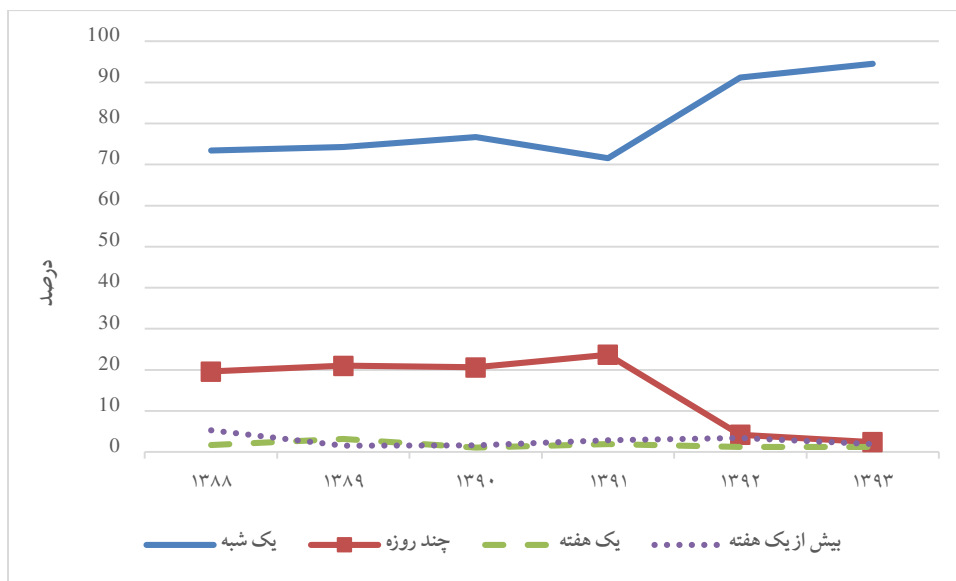
شکل (۱): روند رشد بازار بین بانکی پس از شکل گیری



دوره زمانی معاملات

از حیث دوره زمانی معاملات، بخش اعظم مبادلات بانک‌ها در بازار بین‌بانکی را مبادلات بسیار کوتاه‌مدت یک‌شبه و پس‌از آن با فاصله زیاد معاملات چند روزه تشکیل می‌دهد که بیانگر آن است که کارکرد اصلی بازار بین‌بانکی برای بانک‌ها تأمین مالی فوری است.

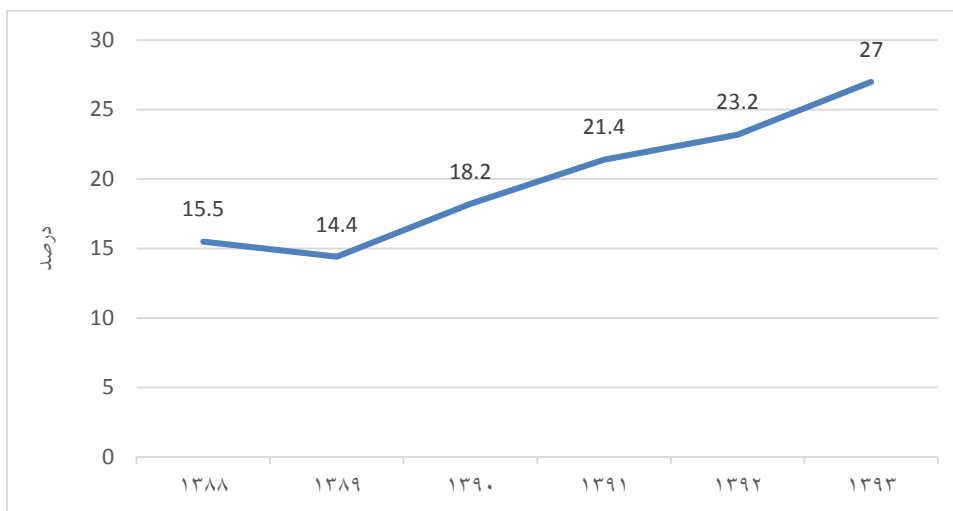
شکل (۲): ترکیب معاملات از حیث طول دوره وام‌دهی



نرخ بهره

به موازات رشد بازار بین‌بانکی، نرخ تأمین مالی در این بازار نیز رو به افزایش بوده که البته در اصل به بروز مشکل مطالبات معوق و کسری بانک‌ها در تأمین ذخایر بازمی‌گردد که رقابت آن‌ها در جذب منابع در بازار بین‌بانکی سبب روند رو به رشد نرخ بهره در این بازار شده است. این رشد در نرخ بهره بازار بین‌بانکی به‌طور طبیعی روی دیگر سکه رشد سایر نرخ‌ها در بازار پول، نظیر نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی در دوره موردنظر است.

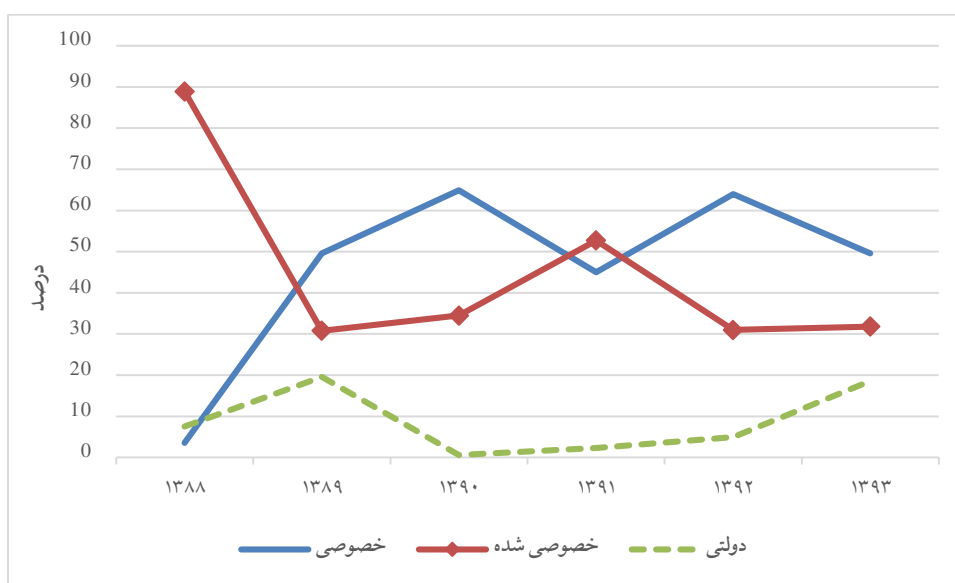
شکل (۳): نرخ مرجع معاملات یک شبهه در بازار بین بانکی



وضعیت بانکها از حیث قرض دهی و قرض گیری

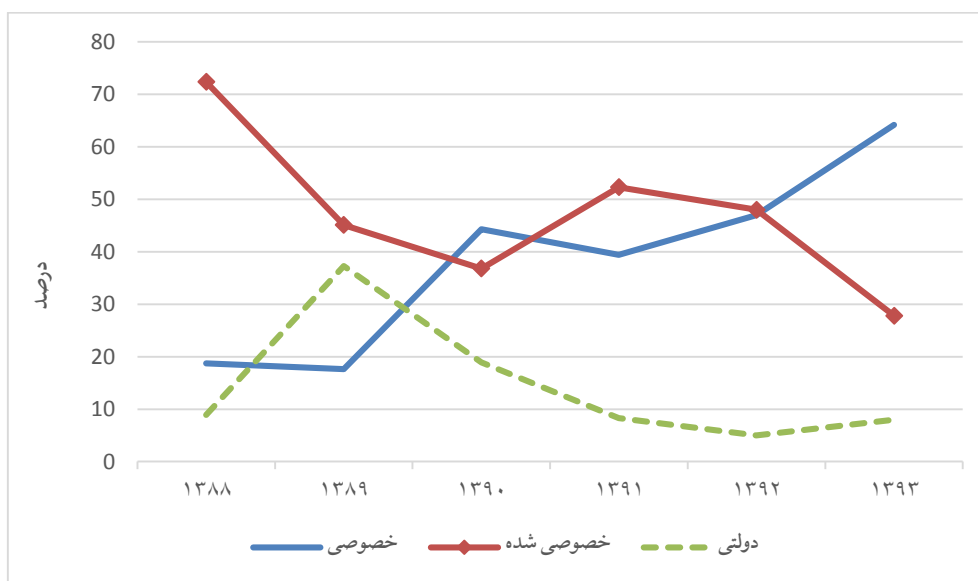
یک موضوع قابل بحث درباره وضعیت بازار بین بانکی مربوط است به ترکیب قرض دهندگان و قرض گیرندگان در این بازار. برای این منظور ما بانکها را می توان به سه طبقه کلی تفکیک کرد: بانک های دولتی (شامل بانک های تخصصی و تجاری دولتی)؛ بانک های خصوصی شده (شامل بانک صادرات، تجارت، ملت و رفاه)؛ و بانک های خصوصی (خصوصی از بدو تأسیس).

شکل (۴): سهم هر گروه از بانکها در وام دهی در بازار بین بانکی



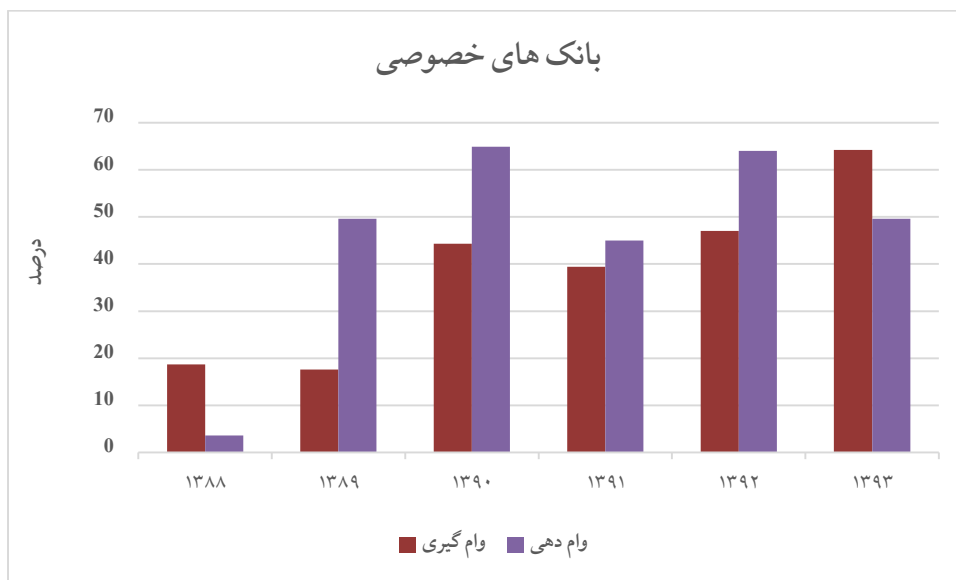
از شکل (۴) پیداست که بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده سهم بیشتری در وام‌دهی در بازار بین‌بانکی داشته‌اند. البته سهم بانک‌های دولتی در سال ۹۳ افزایشی محسوس نشان می‌دهد. با وجود این، روش صحیح‌تر در بررسی این موضوع این است که وام‌دهی بانک‌ها را در مقایسه با وام‌گیری آن‌ها نگاه کرد زیرا آنچه در اینجا مهم است، این است که هر یک از این سه دسته «به‌طور خالص» وام‌دهنده بوده‌اند یا وام‌گیرنده. برای این منظور، روند ترکیب وام‌گیری سه گروه مذکور نیز در شکل (۵) نشان داده شده است.

شکل (۵): سهم هر گروه از بانک‌ها در وام‌گیری در بازار بین‌بانکی



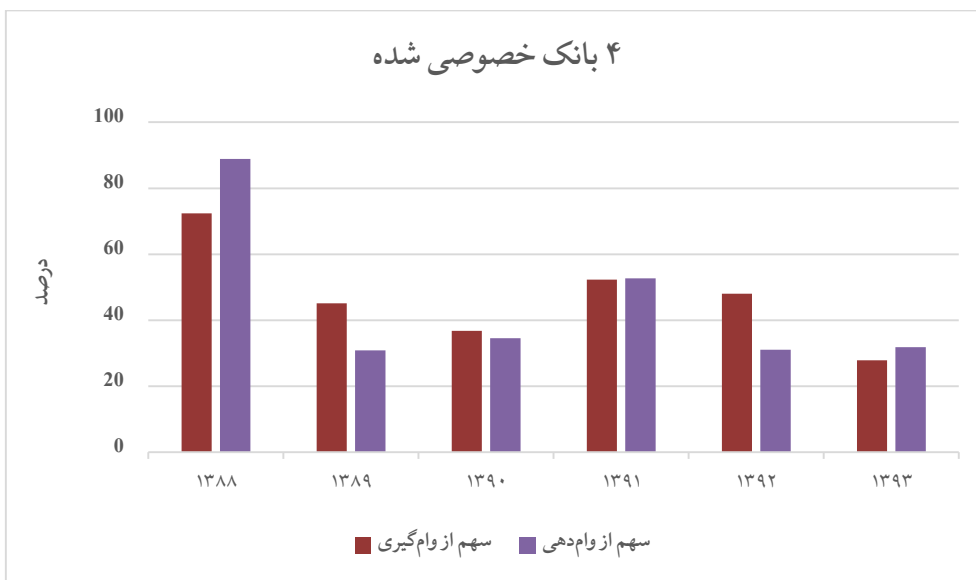
شکل (۵) نشان می‌دهد که باز هم بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده دارای بیشترین سهم در وام‌گیری از بازار بین‌بانکی هستند. نسبت وام‌گیری بانک‌های دولتی در بازار بین‌بانکی نیز به‌طور محسوسی رو به کاهش مشاهده می‌شود. در مقابل، سهم بانک‌های خصوصی در وام‌گیری از بازار بین‌بانکی پیوسته رو به رشد بوده است. برای مشاهده دقیق‌تر خالص وام‌گیری، می‌توان سهم وام‌دهی و وام‌گیری هر سه دسته فوق را در کنار هم مشاهده کرد.

شکل (۶): مقایسه سهم بانک‌های خصوصی از وام‌دهی و وام‌گیری از کل حجم مبادلات بازار بین‌بانکی



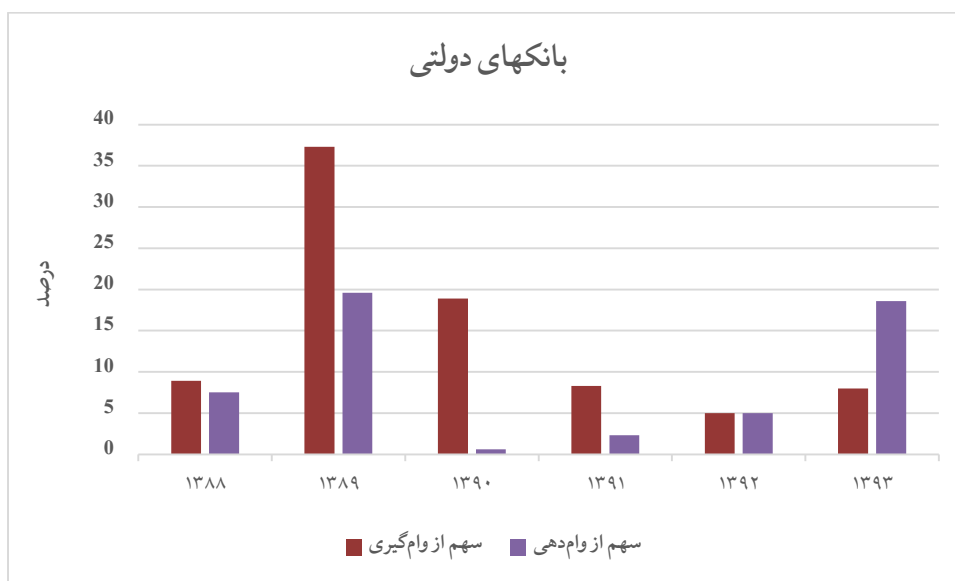
از شکل پیداست که بانک‌های خصوصی در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳ «به‌طور خالص» در بازار بین‌بانکی وام‌گیرنده بوده‌اند اما در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ به‌طور خالص وام‌دهنده.

شکل (۷): مقایسه سهم بانک‌های خصوصی شده از وام‌دهی و وام‌گیری از کل حجم مبادلات بازار بین‌بانکی



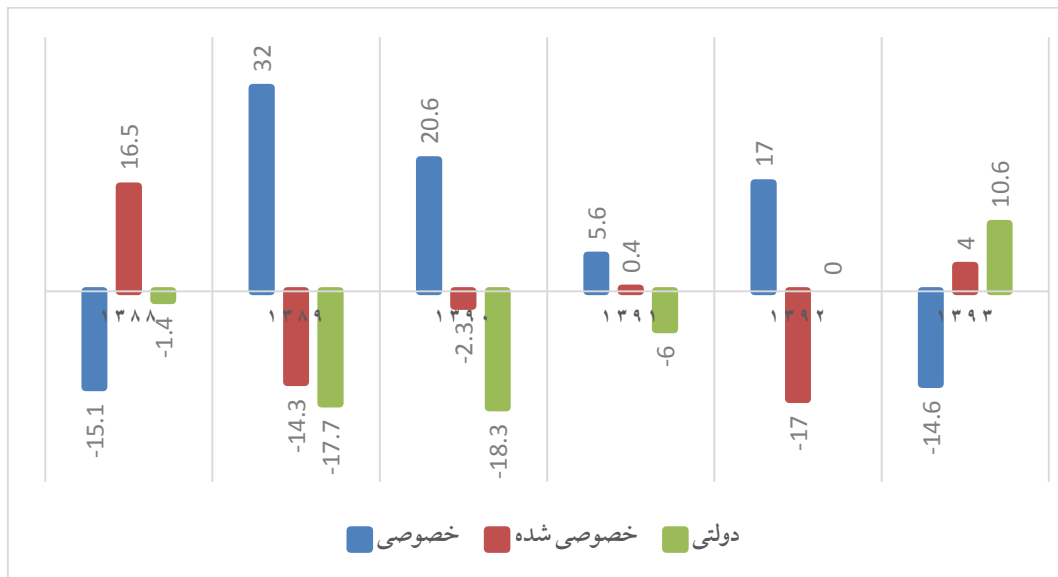
۴ بانکی که از سال ۸۸ خصوصی شدند، در سال‌های ۸۹، ۹۰ و ۹۲ به‌طور خالص وام‌گیرنده بوده‌اند و در سال‌های ۸۸ و ۹۳ وام‌دهنده. در سال ۹۱ نیز وام‌دهی و وام‌گیری آن‌ها معادل بوده است. از این‌رو وضعیت این ۴ بانک خصوصی‌شده تقریباً عکس وضعیت بانک‌های خصوصی بوده است (با توجه به اینکه نمودارها بیانگر «سهم» هاست، و مشاهده کردیم که بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده سهم غالب این بازار را در اختیار دارند، بدیهی است که وضعیت این دو گروه از بانک‌ها، قرینه یکدیگر باشد).

شکل (۸): مقایسه سهم بانک‌های دولتی از وام‌دهی و وام‌گیری



بانک‌های دولتی در فاصله سال‌های ۸۸-۹۱ با شدت و ضعف متفاوت، در بازار بین‌بانکی وام‌گیرنده دیده می‌شوند. در سال ۹۲ سهم وام‌دهی و وام‌گیری آن‌ها معادل شده و در سال ۹۳ وام‌دهی آن‌ها از وام‌گیری پیشی می‌گیرد. جمع‌بندی و خلاصه سه شکل اخیر در شکل (۹) نشان داده شده است.

شکل (۹): خالص سهم وام‌دهی در بازار بین بانکی (عدد منفی به معنای سبقت میزان وام‌گیری از وام‌دهی یا خالص کسری منابع است)



منابع

بانک مرکزی، "عملکرد بازار بین بانکی"، سال‌های مختلف.
 خوانساری، رسول (۱۳۹۳)، "آسیب‌شناسی بازار بین بانکی ریالی با تأکید بر ابعاد فقهی"، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی.